

حقوق زنان در قانون اساسی جدید افغانستان^۱

نویسنده: مریم نوابی^۲

۱ - مقدمه

روشنی را که کمیسیون قانون اساسی در رابطه به اعادۀ حقوق حقه زنان افغانستان در پیش خواهد گرفت نه تنها مسیر قانون آیندۀ افغانستان را بنیان گذاری میکند بلکه ارزشها و آرمانهای کنونی جامعه افغانی را هم تعیین میکند. مسئله حقوق زنان نباید به صورت مجزا مورد غور قرار گیرد. این مسئله جزء ضرورتی برای حفظ حقوق بشر و حراست تمام اتباع افغانستان از تبعیض غیر عادلانه محسوب میشود.

با وجودیکه حقوق زنان در طی چند دهه های بیست و سه سال گذشته مورد تخطی قرار گرفته است، این تخطیها خلاف قوانین اسلامی و افغانی به شمار میروند. مفکورۀ اسلامی و اساسات

۱ حق "۱" - برای مریم نوابی محفوظ است

۲ مریم نوابی دوکتورایش را همراه با افتخار نامه در رشته حقوق از مرکز حقوق کوهنتون جیورج تاون بدست آورده است. لیسانسش را همراه با اخذ افتخار نامه بسیار عالی از شعبۀ مطالعات بین المللی در کوهنتون جیورج میسن بدست آورده است. موصوف اجازه نامه اشتغال در امور حقوقی در کامنولت ویرجینیا و دیستریکت کولمبیا در ایالات متحده را در دست دارد و فعلاً به صفت معاون در امور ملکیت ذهنی در مؤسسۀ حقوقی دیشریت ل.ل. ~ . در واشنگتن مشغول به کار است. با موصوف میتوانید از طریق ایمیل

ذیل تماس بگیرید: mnawabi@hotmail.com

اسلام که هدف از آن اعادۀ عدل، انصاف و حیثیت برای جامعه بشری است، تساوی حقوق و برابری میان مرد و زن را که جزء حقوق بشر شمرده میشود، تأیید میکند. هم "نان، تساوی حقوق و برابری میان مرد و زن توسط قوانین پیشین افغانستان هم مورد اِشتیبانی قرار گرفته است، مانند، قانون اساسی ۱۹۷۵ و قانونهای اساسی مابعد از آن و تأیید "ندین موافقتنامه بین المللی توسط افغانستان.

II -- { سمنظر

"ون تعداد زنان افغانستان بیشتر از مردان است (شش در مقابل "هار)، این امر ثابت شده است که به خاطر انکشاف و آیندۀ این ملت، اشتراك زنان در تمام امور زندگي در افغانستان حیاتی میباشد. سهم زنان در زندگي سیاسی کشور باعث برابری، تسریع امور اجتماعی و ایجاد دموکراسی شده و فساد اداری را کاهش میدهد. درکشورهایی که نابرابری میان مردان و زنان در امور صحی، تعلیمی، استخدام به کار و حق داشتن ملکیت کمتر است، انکشاف اقتصادی در اسرع وقت امکان پذیر است.

هرگاه قانون و سیستم قانونی افغانستان اتباع کشور را از تبعیض های غیر عادلانه مبنی بر عواملی "ون جنس حفاظت نکند، يك بخش عظیمی از جامعه از حقوق شان محروم شده و انکشاف افغانستان به صورت همه جانبه با موانع روبرو خواهد شد.

III - { اِشتیبانی اسلام از اصل برابری و تساوی میان مرد و زن

شش قرن قبل از م،نا کارتا (Magna Carta) و در حدود "هارده قرن قبل از ایجاد ملل

متحد، حقوق بشر در قرآن تذکر داده شده بود. در اکثر موارد، عکس العمل در مقابل ریفارم حقوق قانونی زنان به خاطر آن نبوده است که فویا تضادی با اساسات اسلامی داشته باشد، بلکه علت این واکنشها در دفاع و حفظ قوانین و رسم و رواج های قدیمی قبیلوی نهفته است.

در رابطه به حقوق زنان، اسلام به صورت واضح تجویز میکند که مرد وزن در مقابل ذات الهی هردویکسان اند. قرآن کریم به صورت واضح میفرماید که مرد وزن در مقابل خداوند بربر اند. قرآن کریم هم اصطلاحات مذکر وهم اصطلاحات مؤنث را در خلقت بنی آدم از يك منبع واحد به کار میبرد. احکام شرعی مغایر به این اصل اکثراً نتیجۀ سؤ تفاهم یا به کاربرد نادرست آیتهای قرآن کریم میباشد که منبع آن را میتوان در ارزشهای فرهنگی یا [درسسالاری دریافت. بعضی از آیتهای قرآن کریم که برابری و تساوی میان مرد وزن را تأیید میکنند عبارتند از سورۀ Q، آیت ۱؛ سورۀ ۳، آیت ۱۹R؛ سورۀ Q، آیت ۱۲Q؛ سورۀ ۲۳، آیت ۳R؛ سورۀ ۱۸، آیت ۱۳؛ سورۀ Q، آیت Q.

بنابراین، در قرآن کریم مسئله برابری از لحاظ دین، مسؤلیت و جوابدهی برای مردوزن به صورت مشرح تذکر داده شده است. تضمین برابری میان مردوزن در "هارجوب قانون نه تنها بالاحکام قرآنی مغایرت ندارد، بلکه بالعکس نمایانرر تطبیق احکام اسلامی در عمل است.

IV - موافقتنامه های بین المللی

قرآن کریم میطلبد تا مسلمین به تمام موافقتنامه ها وقرارداد هایی که به امضاء میرسانند، [آبند، بمانند^۳. افغانستان "ندین موافقتنامه را که با حقوق وآزادیهای فردی مرتبط میشود به

امضاء رسانیده است. این موافقتنامه ها شامل کنوانسیون سال ۱۹۴۳ در رابطه به حقوق زنان است که در آن آمده است که زنان باید دارای همان حقوق سیاسی که به مردان داده شده است، باشند به شمول حق رأی دادن در تمام انتخابات، حق نامزدی و انتخاب برای مقامهای دولتی. افغانستان یکی از اولین کشورهای بود که این موافقتنامه را به امضاء رسانید.

افغانستان همچنان جزء کنوانسیون بین المللی در رابطه به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون بین المللی در رابطه به حقوق مدنی و سیاسی نیز میباشد. هر دو کنوانسیون میطلبد تا حقوق فوق، بدون در نظر داشت جنس، مذهب و نژاد به صورت یکسان اعاده شود. هر دو موافقتنامه حقوق اتباع را به صورت عموم تعیین مینماید. "ون افغانستان این موافقتنامه هارا به امضاء رسانیده است، فلذا، به اساس آنها، زنان افغانستان، مانند مردان، دارای عین حقوق قانونی که در این موافقتنامه ها آمده است، میباشد.

افغانستان هم "نان عضو سازمان بین المللی کار است و کنوانسیون سال ۱۹۴۸ مربوط به پرداخت اجرت یکسان به مردان و زنان برای اجرای عین کار را تأیید نموده است. علاوه، افغانستان شامل کنوانسیون سال ۱۹۴۸ در رابطه به تبعیض ضد "ام استخدام و تعیین مسلك نیز میباشد. این کنوانسیون از تمام امضاء کننده گان میخواهد تا "ام استخدام به کار، تبعیض های مبنی بر جنس و نژاد را از بین ببرند.

بنابر نکاتی که در فوق ذکر شد، تضمین برابری میان مردان و زنان در قانون اساسی جدید

افغانستان يك {ديدف تازه در سيستم حقوقى افغانستان به حساب نميرود.

V - تساوى و برابرى حقوق ميان مردان و زنان در قوانين اساسى كشور هاى ديگر

الف: قانونهاى اساسى كشور هاى مسلمان

درسرا سرجهان اسلام، نمونه هاى موجود است كه بدون در نظر داشت جنس، به صورت صريح تساوى حقوق ميان تمام اتباع را در "هار"وب قانون اساسى تضمين مينمايد. ارتقاء و حفاظت تساوى حقوق ميان مردوزن در قانون اساسى افغانستان نه تنها بر اساسات حقوق بشر و احكام قرآنى استوار است بلكه با اصول كشورهاى اسلامى ديگر كه مربوط به قاره هاى مختلف بوده و داراى سيستم هاى سياسى، سنتهاى اجتماعى و شرايط اقتصادى متفاوت ميباشند نيز همسان است.

قانونهاى اساسى بسيارى از كشورهايى كه جمعيت كثيرى از مسلمانان در آنجا زندگى ميكند، حقوق مساوى براى تمام باشنده گان كشور را تضمين ميكند. عده يى از اين كشورها عبارتند از سوريه، الجزاير، تونس، مراکش، عمان، بنده ديش، تاجكستان، ازبكستان، تركمنستان، {اكستان و لبنان.

باوجوديكه قانونهاى اساسى اين كشورها تساوى حقوق ميان تمام اتباع را تضمين ميكند، اما هر كشور از روش متفاوت در اين راستا استفاده كرده است.

۱- ماده هاى مشخص كه تساوى حقوق ميان مرد و زن را بيان مى كنند

• "تمام اتباع درمقابل قانون یکسان اند. هی* نوع تبعیض مبنی بر ن^اد، جنس، عقیده یا شرایط واحوال اجتماعی یا شخصی مجاز نیست."^۴

• "تمام افراد درمقابل قانون و محاکم یکسان اند. دولت بدون در نظرداشت ملیت، ن^اد، جنس، زبان، عقیده، اعتقاد سیاسی، سطح تعلیمی، موقف اجتماعی، یا دارای حقوق و آزادی هر فرد را تضمین میکند."^۵

• "تمام اتباع ازبکستان بدون درنظرداشت تفاوت‌هایی مبنی بر جنس، ن^اد، قوم، زبان، مذهب، منشأ اجتماعی، طرزفکر، و موقف شخصی یااجتماعی درمقابل قانون دارای حقوق مساوی میباشند. امتیازات صرف توسط قانون تعیین میشود و باید براساس عدالت اجتماعی استوار باشد."^۶ "مردان و زنان دارای حقوق مساوی میباشند."^۷

• "ترکمنستان آزادی و حقوق مساوی برای تمام اتباع کشور را تضمین میکند. علاوه، برابری تمام اتباع در مقابل قانون، بدون درنظرداشت ملیت، منشأ قومی، ثروت، موقف دولتی، محل زیست، زبان، تمایلات مذهبی، اعتقاد سیاسی، یا عضویت در احزاب، تضمین می‌رود."^۸ "زنان و مردان در ترکمنستان دارای حقوق مدنی همسان میباشند. عدم تأمین

۴ قانون اساسی الجزایر، ماده ۲۹.

۵ قانون اساسی تاجکستان، ماده ۱۷.

۶ قانون اساسی ازبکستان، ماده ۱۸.

۷ قانون اساسی ازبکستان، ماده OS.

۸ قانون اساسی ترکمنستان، ماده ۱۷.

حقوق برابر مبنی بر جنس به معنای تخلف از قانون تلقی میشود.^۹

۲- فقره هایی که تبعیض مبنی بر جنس وهم "نان سایر تبعیض های دیگر" ون تبعیض ن آدی، زبانی، مذهبی و غیره را ممنوع قرار میدهند

• "تمام اتباع درمقابل قانون یکسان اند و بدون هر نوع تبعیض مبنی بر جنس، ، منشأ قومی، زبان، مذهب یا دین دارای حقوق و مسؤولیتهای عامه یکسان اند."^{۱۰}

• تمام اتباع، بدون در نظر داشت زبان، ن آد، رند. . جلد، جنس، اعتقاد سیاسی، اعتقاد فلسفی، دین و مذهب، یا عوامل مشابه به اینها، درمقابل قانون یکسان اند. هی• فرد، خانواده، گروه، یا طبقه دارای امتیاز خاصی نیست. شعبات دولتی و مقامات اداری باید با در نظر داشت این اصل که همه درمقابل قانون یکسان اند، تمام امور را به پیش ببرند."^{۱۱}

• "تمام اتباع درمقابل قانون یکسان بوده و دارای حقوق و مسؤولیتهای عامه یکسان میباشند. هی• نوع تبعیض مبنی بر جنس، اصل، رند. . جلد، زبان، دین و مذهب درمقابل آنها مجاز نیست."^{۱۲}

۹ قانون اساسی ترکمنستان، ماده ۱۸.

۱۰ قانون اساسی مصر، ماده Q.

۱۱ قانون اساسی ترکیه، ماده ۱۰.

۱۲ قانون اساسی عمان، ماده ۱۷.

• "هر شخص دارای حقوق و آزادیهای اساسی میباشد و به هیچ صورت قابل تخطی و تجاوز قرار نخواهد گرفت."^{۱۳}

• "تمام اتباع درمقابل قانون یکسان اند و باید به صورت مساویانه توسط قانون محافظت شوند. هیچ نوع تبعیض مبنی بر جنس مجاز نیست."^{۱۴}

۳- فقره هایی که به طورعام تساوی حقوق میان تمام اتباع را تضمین میکنند. "ون این فقره ها به صورت صریح جنس یا خصوصیات دیگر را ذکر نمیکند، میتوان آنها را "نان تعبیر کرد که درمورد تمام اتباع یکسان قابل تطبیق میباشد.

• "حکومت زمین را برابری میان تمام مصریها را تضمین میکند."^{۱۵}

• "اتباع بادر نظر داشت حقوق ومسئولیتهای شان درمقابل قانون یکسان اند... دولت اصل مساوات میان تمام اتباع را تضمین میکند."^{۱۶} "هر تبعه حق دارد تا در امور سیاسی، اقتصادی وفرهنگی اشتراک کند. قانون سهم گیری در این امور را تنظیم میکند."^{۱۷}

۱۳ قانون اساسی ترکیه، ماده ۱۲.

۱۴ قانون اساسی پاکستان، ماده ۲۰، جزء (۱) و (۲).

۱۵ قانون اساسی مصر، ماده ۸.

۱۶ قانون اساسی سوریه، ماده ۲R.

۱۷ قانون اساسی سوریه، ماده ۲S.

• "تمام اتباع دارای حقوق و مسئولیتهای مساوی اند."^{۱۸}

• "دولت به تمام اتباع جهت اشتراك در فعالیتهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موقع یکسان فراهم میکند. و جهت تحقق این هدف قوانین لازم را به تصویب خواهد رسانید."^{۱۹}

• "هر تبعه حق دارد تا در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور سهم ببرد."^{۲۰}

Q- فقره هایی که زمینه حفاظت بیشتر برای زنان را تضمین میکنند

• "دولت تضمین مینماید تا برای زنان موقع آن را فراهم نماید تا آنها بتوانند به صورت کامل و مؤثر در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اشتراك کنند. دولت تمام محدودیتهایی را که مانع انکشاف و سهم زنان در اعمار يك جامعه سوسیالیستی عرب شود، از بین میبرد."^{۲۱}

• "دولت از مادران و اطفال حفاظت میکند."^{۲۲}

۱۸ قانون اساسی یمن، ماده Q.

۱۹ قانون اساسی یمن، ماده Q۲.

۲۰ قانون اساسی یمن، ماده Q.

۲۱ قانون اساسی سوریه، ماده QR.

R- تطبیق عام فقره ها در قانون اساسی

علاوا بر اسلوب هایی که در فوق به آنها اشاره شد، لازم به یادآوریست که کشورهای اسلامی در قانون های اساسی شان اصطلاحاتی "ون" "شخص" و "فرد" را هنگام ارائه است حقوق قانونی بکاربرده اند. این کار تضمین مینماید تا حقوق اتباع و افراد ساکن در کشور، بدون تحمیل محدودیتهای بی مبنی بر جنس و دیگر عوامل، به صورت مساویانه داده شود.

ب - تجربه های مابعد از تضاد

کشور هایی، مانند افریقای جنوبی و تیمور شرقی، که به اثر تغییر در حکومت قوانین مبنی بر تساوی حقوق را به طور صریح در قانونهای اساسی شان گنجانیده اند، زمینه آنها را مساعد نموده اند تا آنچه اتباع کشور را که قبلاً مورد تبعیض قرار گرفته بودند قانوناً حفاظت کنند.

فصل دوم قانون اساسی افریقای جنوبی، تحت عنوان "حقوق اساسی"، در ماده نهم "تساوی" میان اتباع را به طور ذیل تأمین میکند:

- ۱- تمام اشخاص در مقابل قانون برابر اند و حق آنها دارند تا به صورت مساویانه توسط قانون حفاظت و از آن بهره مند شوند.

• ۲- برابری مشتمل است از استفادۀ کامل و مساویانه از تمام حقوق و آزادیها. جهت ارتقای اصل برابری، قوانین و اقدامات دیوری اتخاذ شود تا اشخاص و یا گروهی از اشخاص که به صورت غیرعادلانه مورد تبعیض قرار گرفته بودند حفاظت شوند.

• ۳- دولت، بادر نظر داشتند، جنس، حاملگی، حالت مدنی، منشأ قومی یا اجتماعی، رن... جلد، رابطه جنسی، سن، معلولیت، مذهب، اعتقاد، وجدان، فرهنگ، زبان، یا تولد نباید به صورت مستقیم یا غیر مستقیم شخصی را مورد تبعیض قرار دهد.

• Q- هیچکس نمیتواند به اساس مواردی که در شمارۀ سوم در فوق آمده است، شخصی را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مورد تبعیض غیر عادلانه قرار دهد.

• R- رواداشتن تبعیض با اساس نکاتی که در شمارۀ سوم در فوق آمده است غیر عادلانه میباشد، به استثنای مواردی که ثابت شود تبعیض عادلانه است.

در رابطه به حفظ تساوی حقوق، قانون اساسی افریقای جنوبی بسیار مشرح است زیرا نه تنها تساوی حقوق در قانون را توضیح میکند بلکه اساسات حفاظت توسط قانون و فواید قانون را نیز تشخیص مینماید. هم "نان، قانون اساسی زمیخت بهر مندر شدن از تمام حقوق و آزادیها را به صورت مساویانه و کامل مهیا نموده فرصت آن را میدهد تا اقدامات لازم در جهت رفع تبعیضات غیر عادلانه صورت بپیرد. اما، مهمتر از همه، این قانون اساسی نه تنها اقدامات دولتی بلکه فعالیتهای شخصی را که منجر به تبعیض غیرعادلانه شود نیز ممنوع قرار میدهد.

در این اواخر، تیمور شرقی يك قانون اساسی رابه تاریخ بیستم ماه می، ۲۰۰۲ به تصویب رسانید که به صورت مشخص برابری میان تمام اتباع و اصل اجتناب از هر نوع تبعیض مبنی بر جنس، نژاد، قوم و عوامل دیگر را تضمین مینماید:

• "۱- اتباع درمقابل قانون برابر اند و دارای حقوق و مسؤولیتهای یکسان میباشند. ۲- هیچکس به خاطر رن... جلد، نژاد، حالت مدنی، جنس، منشأ قومی، زبان، موقف اقتصادی یا اجتماعی، اعتقادات سیاسی یا ایدئولوژیک، مذهب، سطح تعلیمی، وضع جسمی یا فکری مورد تبعیض قرار نخواهد گرفت."^{۲۳}

"مردان و زنان در تمام امور خانواده فنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای حقوق و مسؤولیت های همسان اند."^{۲۴}

این دو نمونه های اخیر در فوق که نشان دهند وضع بعد از اختتام تضاد ها و تغیر حکومت میباشد، ایجاد يك قانون اساسی را که در آن اصطلاحات به صورت واضح و صریح تذکر داده شده باشند، تأیید میکند. باوجودیکه تغیر دادن معیار های اجتماعی به وقت ضرورت دارد، اما تعدیلات در قانون و تطبیق آنها باعث تسریع پیشرف و ترقی کشور میگردد زیرا قانون رهنمود هایی مشخص را وضع میکند که باید در عمل پیاده شوند.

VI- تساوی حقوق در قانون اساسی افغانستان

^{۲۳} قانون اساسی تیمور شرقی، بخش ۱S دیده شود.

^{۲۴} قانون اساسی تیمور شرقی، بخش ۱۷ دیده شود.

الف - قانون اساسی ۱۹۵۰

مقدمه قانون اساسی ۱۹۵۰ تذکر میدهد که قانون اساسی افغانستان به خاطر دلایلی زیادی از جمله دلایل ذیل تدوین شد، تا:

"عدالت و برابری را تأمین نماید."

"امور دولتی را طوری تنظیم نماید تا آزادی و رفاه هر فرد تضمین شده و نظم عمومی حفظ شود."

"یک جامعه پیشرفته و مرفه مبنی بر همکاری اجتماعی و حفظ ارزشهای انسانی اعمار شود"
(تأکید اضافه شده است.)

علاوه بر مقدمه، "فدین ماده قانون اساسی ۱۹۵۰ از تساوی حقوق مبنی بر جنس شتابانی میکند. در ماده ۲۰ قانون اساسی ۱۹۵۰ آمده است:

"مردم افغانستان، بدون هر نوع تبعیض یا تمایل، در برابر قانون حقوق و مسئولیت مساوی دارند."^{۲۵} (تأکید اضافه شده است.)

ماده ۲۵ قانون اساسی از تأمین حقوق و آزادیهای فردی به صورت کل شتابانی نموده و اتباع افغانستان را مبنی بر جنس از همدیگر تفکیک نمیکند. کلماتی، "ون" "هی" "کس"،

^{۲۵} قانون اساسی افغانستان (۱۹۵۰)، ماده ۲۰.

"شخص"، "هراښان"، در سرتاسر قانون اساسی ۱۹۵۰ به کار برده شده اند که خود نمایانگر این امر است که قوانین عام بوده و با عواملی چون جنس و خصوصیات دیگر نمیتوان ساخت تطبیق آنها را محدود ساخت.

با وجودیکه به صورت وسیع تذکر داده میشود که قانون اساسی ۱۹۵۰ حقوق مساوی برای زنان را تضمین نمود، این نکته صریحاً در آن نیامده است. با اینهم، استعمال کلمه "مردم" "نین تعبیر شده است که دربر گیرنده زنان نیز است. بناً این تعبیر به مثابه اعاد حقوق برابر برای زنان نیز تلقی شده است. بعد از تصویب قانون اساسی ۱۹۵۰، زنان در امور قضایی، ملکی و دیگر مشاغل مختلف در کشور سهم گرفتند.

آنکه که در فوق به آن اشاره شد، میرساند که تعبیر و تطبیق قانون اساسی از اهمیت بسزایی برخوردار است. وقتی جامعه و حکومتی بخواهد حقوق و آزادی فردی را حفاظت کند، فقره های عام در قانون برای تحقق این هدف کافی است. با وجود این، هرگاه حقوق بشر مورد تخطی قرار بیاید و شرایط اجتماعی و اقتصادی در کشور برای تعبیر و تطبیق قانون به صورت کل مهیا نباشد، در آن صورت به جمله ها و عبارات مشخصتری در قانون اساسی و دیگر قوانین ضرورت است تا حقوق و آزادیهای فردی حفاظت شود.

ب - قانون اساسی ۱۹۷۵

درمانه ۲۷ قانون اساسی ۱۹۷۵ آمده است:

"تمام مردم افغانستان، اعم از مرد و زن، در مقابل قانون حقوق و مسؤولیتهای برابر دارند."^{۲۶}

در سال ۱۹۷۷، {انزده فیصد کارکنان بخش مقننه افغانستان را زنان تشکیل میداد. زنان در عدد زیاد از کشورهای غربی تا کنون به این رقم دست نیازیده اند.

ج - قانون اساسی ۱۹۸۷

قانون اساسی ۱۹۸۷ در رابطه به تساوی حقوق از قانون های ماقبل خود يك فرا تر گذاشت. در ماده ۲۸ آن آمده است:

"اتباع جمهوری افغانستان، اعم از مرد و زن، بدون در نظر داشت موقف ملی، نژادی، زبانی، قومی، سطح تعلیمی، اجتماعی، و مذهب، عقیده، نظریات سیاسی، شغل، ثروت و محل سکونت، حقوق و مسؤولیتهای همسان در برابر قانون دارند. تثبیت امتیازات غیرقانونی یا تبعیض در برابر حقوق و وظایف اتباع ممنوع است."^{۲۷}

در ماده ۳۳ آمده است:

"تابعیت جمهوری افغانستان برای تمام اتباع یکسان و برابر است."

د - قانون اساسی ۱۹۹۰

۲۶ قانون اساسی افغانستان (۱۹۷۵)، ماده ۲۷.

۲۷ قانون اساسی افغانستان (۱۹۸۷)، ماده ۲۸.

در قانون اساسی ۱۹۹۰، ماده های ۲۸ و ۳۳ قانون اساسی ۱۹۸۷ تغییر داده نشده اند.^{۲۸}
در اوایل ۱۹۹۰، ۷۰٪، معلمان، R.٪ کارکنان دولتی، R.٪ محصلین کوهنتون و Q.٪
داکتران را زنان تشکیل میدادند.

VII - تجاوز برای قانون اساسی جدید افغانستان

الف - دلایل منطقی

با در نظر داشت تجاوز بر حقوق اساسی زنان در افغانستان در طی سالیان گذشته، لازم است تا قانون اساسی جدید افغانستان حقوق زنان را به مثابه جزئی از اهدافش به خاطر حفظ حقوق و آزادی های فردی اتباع افغانستان دانسته و آنرا حفاظت و تقویت کند. "ون قانون اساسی "هار" ویست برای حفظ حقوق اساسی افراد و روابط آنها با افراد دیگر و دولت، حفظ تساوی حقوق میان مردوزن باید جزء این "هار" وب باشد. موجودیت تضادهای قابل وقوع میان حقوق زنان و فشارهای اجتماعی و عنعنوی نباید موجودیت یا تطبیق این قوانین را از بین ببرد یا تضعیف کند. سیستم قانونی باید "نان وسیله و اسبابی را در اختیار زنان قرار بدهد تا به وسیله آن بتوانند از حقوق خویش حراست نمایند، حتی اگر این عمل شان خلاف معیارهای اجتماعی هم باشد.

۲۸ هـ، شماره گذاری، ماده ۲۸ به ماده ۳۸ تبدیل شده است.

ب - تجاوزیز در رابطه به روش و جمله بندی در قانون اساسی جدید

۱- تمام ماده ها باید به صورت واضح تحریر شوند تا "نان تعبیر نشوند که گویا صرف بر يك جنس (مرد یا زن) قابل تطبیق است.

به خاطر تحفظ و ارتقای حقوق مساوی که قانون اساسی آیند افغانستان، بدون در نظر داشت جنس، آن را برای تمام اتباع تضمین مینماید، لازم است تا ماده ها به صورت واضح تحریر شوند تا "نان تعبیر نشوند که گویا صرف در مورد يك جنس (مرد یا زن) مورد تطبیق میباشند.

کلمه هایی، "ون" "مردم"، "شخص"، "فرد"، "انسان"، و غیره به کار برده شوند تا واضح باشد که ماده ها، بدون در نظر داشت جنس یا خصوصیات دیگر، در برگیرند تمام افراد جامعه میباشند.

۲- کلمه "افغان" باید تعریف شود تا از تبعیض مبنی بر بعضی از خصوصیتها جلوگیری شود.

قانون اساسی جدید، باید در یکی از ماده هادرباراً تا بعیت تذکر دهد که:

"ملت افغان، بدون در نظر داشت نژاد، قوم، رن... جلد، نسب، جنس، دین یا مذهب، زبان، عقیده یا نظر سیاسی، قبیله، موقف اجتماعی یا اقتصادی، یا معلولیت، مشتمل است از افرادی که مطابق به اساسات قانون تابعیت دولت افغانستان را داشته باشند. کلمه افغان به هر يك از این افراد اطلاق میشود."

بنا براین، تطبیق قانون تابعیت و ماده های قانون اساسی که کلمه "افغان" در آنها به کار برده شده باشد نباید توسط عوامل فوق محدود شوند. درحقیقت کلماتی، "ون+انسان"، "شخص"، "هی" "کس"، "فرد"، "مردم افغانستان"، "افغان" در سراسر قانون اساسی ۱۹۵۰ به کار گرفته شده اند. بعضی اوقات، این کلمات در عین ارفاق به جای یکدیگر به کار برده شده اند. چون کلمه "افغان" در مانده اول تعریف شده است، بناً معنای آن در سراسر قانون اساسی روشن خواهد بود.

این امر يك مهم است تا کلمات فوق را به صورت مرتب استعمال کنیم و از حقوق و مسؤولیتهایی که صرف برای اتباع افغانستان در نظر گرفته شده اند آگاه باشیم. با در نظر داشت عودت مهاجرین، افغانهایی که تابعیت کشورهای دیگر را پذیرفته اند و خارجیهایی که در داخل افغانستان موجود اند، کلمه "افغان" را باید محتاطانه به کاربرد تا حقوق اتباع افغانستان و خارجی ها از همدیگر تفکیک شود.

۳- علاوه بر جنس، آن ماده های قانون که با برابری حقوق و مسؤولیتهای ارتباط می یابد، باید عوامل دیگری را که باعث تبعیض در افغانستان میشود هم مورد غور و بررسی قرار بدهد.

در رابطه به تساوی و برابری حقوق میان مرد و زن، عوامل دیگری، "ون ن^اد، قومیت، عقیده یا نظر سیاسی، مذهب و غیره هم که باعث تبعیض میشوند، باید همزمان در ماده های زیربط فینجانیده شوند. هدف از تذکار این عوامل به صورت مشخص در ماده ها اینست تا ابهام از بین برده شود و عواملی که بیشتر خطرا ایجاد تبعیض را میکنند تشخیص شوند.

فصل سوم، ماده ۲۸ قانون اساسی ۱۹۷۶ منیع اساسی برابری افراد در مقابل قانون است. در ذیل، دو نمونه بی از يك ماده جدید تحت عنوان "برابری حقوق" داده میشود:

"مردم افغانستان، بدون هر نوع تبعیض یا تمایلی مبنی بر نژاد، قوم، رده، جنس، دین یا مذهب، زبان، عقیده یا نظر سیاسی، قبیله، موقف اجتماعی یا اقتصادی، یا معلولیت، در مقابل قانون دارای حقوق و مسؤولیتهای مساوی بوده و حق استفاده از کورس قانونی را دارند." یا

"تمام افغانها دارای حقوق و مسؤولیتهای مساوی در مقابل قانون بوده و مستحق استفاده از کورس قانون میباشدند." و

"هیچ نوع تبعیض مبنی بر نژاد، قوم، رده، جنس، دین یا مذهب، زبان، عقیده یا نظر سیاسی، قبیله، موقف اجتماعی یا اقتصادی، یا معلولیت، توسط مرجع دولتی یا شخصی مجاز نیست."

علاوه بر یکی از ماده های فوق، يك ماده عمومی در قانون اساسی باید تذکار دهد که:

"یکی از اساسات بنیادی دولت اینست تا به همه اتباع زمینی سهم پیری در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدنی، فکری، و فرهنگی در کشور را تضمین نماید."

Q- بعد از غورروی قانون اساسی، تمام قوانین باید مرور شوند تا اطمینان آن حاصل شود که هیچ يك از آنها با اساسات قانون اساسی که تبعیض غیر عادلانه مبنی بر جنس و عوامل دیگر را ممنوع قرار داده است، در تضاد نباشد.

باید تأکید ورزید که لازم است تا قوانین و مقررات کشور، مخصوصاً قانون خانواده فی، مورد توجه قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که "یزی را که تحت عنوان مساوات در یک ساحه بی از قانون انکشاف می‌دهیم در ساخت دیور از توجه نیفتد. قوانین موجوده بی که به طور غیر قانونی منجر به تبعیض میشوند باید ملغاً یا تصحیح شوند، در غیر آن، تذکار آن در قانون اساسی بی مفهوم خواهد بود.

VIII - نتیجه گیری

فرهنگ و تاریخ افغانستان حفظ تساوی حقوق میان مرد و زن را تأیید مینماید. {امال نمودن حقوق زنان در سالهای اخیر معیاری نیست که اساس جامعاً ما را تشکیل بدهد. جن... و برخوردها در طی سالیان، زنان را از فرآگیری تعلیم و تربیه، آموزش مسلکی و انکشاف اقتصادی محروم ساخت. در نتیجه، برای زنان بیشتر از {یش دشوار گردیده است تا در تمام ساحات زنده فی در افغانستان {یشرفتن کنند.

اما سیستم جدید قانونی زمیلاً امید برای میلیونها افغان را به وجود آورده است و {یشرفتن آیند افغانستان را بشارت میدهد. سیستم جدید قانونی به مثلاً تهدابی است که انکشاف آیند کشور روی آن بنا خواهد شد. اگر قانون «ذاران حقوق اساسی بشر را در این "هار" وب قانونی به صورت صریح شناسایی کنند، این اقدام آنها بر تمام اعضای جامعه تأثیر وارد خواهد کرد. ما، با استفاده از تاریخ افغانستان، فقه اسلامی و {یشینه هایی قانونی از دیور کشورهای اسلامی، باید به جامعاً افغانی بیاموزانیم که تساوی و برابری حقوق میان مرد و زن یک حق است نه امتیاز.

برای بدست آوردن این هدف، ضروری مینماید تا نه تنها اعضای کمیسیون قانون اساسی بلکه کمیسیون قضایی و کمیسیون حقوق بشر مسئله مخالفت با اعاد حقوق قانونی زنان را در قانون اساسی جدید افغانستان مورد غور و بررسی قرار دهند. این هدف با طروق ذیل میتواند به دست آید:

- شناسایی حقوق زنان به مثابه جزء حقوق بشر و حفظ تمام اتباع افغانستان از تبعیضهای غیر عادلانه.

- به کاربرد قانون و مفکور اسلامی در جهت نشان دادن این امر که حفاظت قانونی از برابری و تساوی میان زن و مرد با قوانین اسلامی، تاریخ و آن احکام اسلامی که حراست از حقوق بشر، ارتقای عدالت و انصاف را تأیید میکند، در تضاد نیست.

- استفاده از قوانین افغانستان، به شمول قانونهای اساسی گذشته و شمولیت افغانستان در معاهدات بین المللی، به خاطر نشان دادن این امر که حفظ تساوی و برابری میان مرد و زن با تاریخ و فرهنگ .. ما بیبانه نیست.

جدوجهد به خاطر اعاد تساوی و برابری حقوق میان مرد و زن بر جامعه افغانی تأثیر افنده و در نتیجه باعث ترقی و پیشرفت افغانستان میشود.